

ادبیات امروز ملل شوروی

سال گذشته سال ادامهٔ نزدیک‌تر و غنی‌تر شدن ادبیات ملل اتحاد شوروی بطور متقابل بود. این جریان بر پایه و اساس وحدت هدفهای آرمانی و هنری و وظایف آنها واقع شده و میشود. این امر در کشور شوروی در شرایط وحدت و مشترک بودن وضع روحی و باطنی ملل امکان‌پذیر و مطابق قاعده است.

متقابلاً غنی‌تر و نزدیک‌تر شدن، به معنی هم‌سطح و یکسان نمودن ادبیات و خلاقیت طبع شخصیت‌های ادبی نیست.

ادبیاتی که واقعاً دارای آثار گرانبهای با اهمیت بین‌المللی هستند و حاوی آرمانها و تمثالهایی میباشد که برای زحمتکشان تمام ملتها گرامی و مأنوس هستند، میتوانند متقابلاً یکدیگر را غنی‌تر نمایند. لیکن خود آن آثار گرانبهارا نویسندگان کشور شوروی با استفادهٔ خلاقه و ابتکاری از سنن ملی ادبیات محبوب خود و با استیلا یافتن بر آثار کلاسیک و آثار بدیع هنری معاصر بوجود می‌آورند. آیا حماسهٔ نوشته‌م. عوضوف نویسندهٔ قازاخ دربارهٔ «آبای»، «داستانهای کوتاه و دشت‌ها»، اثر ج. آیتماوف نویسندهٔ قرقیز و «ترونگا» نوشتهٔ یو. اسموئول اهل استونی و آثار «آلی گانچار» نویسندهٔ اوکرائینی و اشعار م. ریلسکی، ۱۰. مدژلای تیس، پ. بروفسکی، ر. کامزاتوف که شهرت بسیط یافته‌است گواه همین امر نیست؟

مختار عوضوف تاریخ ادبی بدیع بلکه نوعی دایرةالمعارف زندگی ملت

قازاخ را در سده گذشته بوجود آورده است. برای برآمدن از عهده این وظیفه او نمیتوانسته است با استفاده از اشکال نثر ملی که برور دهور ترکیب یافته بوده است اکتفا کند. نویسنده مزبور با جرئت راه غنی تر نمودن تجربه ادبی و هنری خود را بوسیله سنن نثر آلیستی روسی انتخاب نموده است. کتابهای مختار عوضوف هم بنوبت خود نقش مهمی در خلاقیت ادبی سایر ملل برادروار ایفاء نموده، رمان «طایفه جوان» او هم که متأسفانه ناتمام مانده بعقبده من، از خیلی جهات نمونه و سرمشق آموزنده ایست برای نویسندگانی که مسائل حاد معاصر را مورد توجه قرار میدهند.

در ادبیات ملل اتحاد شوروی نکات آرمسانی واحد تثبیت میگردد. بدیهی است که نکات مذکور تا حدود مختلف از خصوصیات بسیاری از آثار ادبی (ترجمه‌های) نثر سال گذشته بوده است. رجوع نمودن به آن بمنزله عزیمت بنوعی مسافرت در کشور شوروی و سیر قدم قدم در راههای دیروز و امروز آن و توجه و نظاره سر نوشت عده کثیر و بسیار کثیر مردم و وارد شدن بعالم باطنی آنها و شریک شادی و غم آنها شدن است.

کتابهای زیاد باقریحه و استعداد کامل در باره طفولیت و جوانی آدمی از میان مردم، در باره ترکیب و رشد یافتن سحایا و صفات انقلابی او بوجود آمده است. اکنون یازدهم داستان شرح حالی (اوتویو گرافیک) نوشته میشود که این بار اثر خامه میخایلو استلماخ نویسنده او کرائینی است و مانند شعر یا آواز - «غازها» - درناها پرواز میکنند...» نامیده شده است.

نقادان قبلا در باره جنبه «شاعرانه» عمیق این اثر بقدر کافی مفصل نوشته اند. داستان «غازها» - درناها پرواز میکنند...» نسبت به رمان های معروف این نویسنده از لحاظ مقیاس کوچکتر است و بطرزی بسط برمدارک و منابع تاریخی احاطه نیافته و حاکی از تمثالهای مجلل رومانیک و دراماتیک و وقایعی که در آن وصف شده است نمیشود. لیکن اهمیت اطلاعاتی و معلوماتی و مخصوصاً تأثیر آن در خواشندگان فوق العاده زیاد است.

نقل و بیان محسوسات مردم از جهان و زندگی و خوش بینی آنان و رسم با روح و مجسم نمودن جنبه های روشن صفات و سجایای انسانی برای نویسنده اهمیت بسیار دارد. وداع با دوران تلخ و سراسر محرومیت طفولیت و پی بردن باولین شادیهای زندگی - موضوع اصلی و باطنی داستان است که با این کلمات خاتمه مییابد، که فقط به گذشته مربوط نیست: « برای من، موجود کوچکی در این جهان هم خوب و هم عجیب و هم شادی بخش است... درناها

هم پرواز میکنند ، گوئی بر فراز طفولیت من . . . زندگی من پرواز میکنند . . .

از منابع مطالب شرح حالی (اوتوبیوگرافیک) اثر دیگری در سال ادبی گذشته بوجود آمده که عبارت است از رومان «شایک» نوشته آخاونی . حکایت قهرمان آن - دختر باهوش کوچک دهاتی بنام آرتس وناک . در باره کودکی و جوانی خود گوئی قطعه‌ای از تاریخ زندگی و مبارزه دهقانان زحمتکش ارمنستان در طول دوازده سال است ، « آرتس وناک » خویشان و نزدیکان خود ، پیرمردان و اطفال ، دهقانان و سربازان ارتش سرخ ، اولین اعضاء کامسمول آن جمهوری و مردم کارآموده و ورزیده در نبردها را با خویشان وارد صفحات کتاب میکند ، مناسبانه آنها همه در خاطر خواننده کتاب نمیمانند . لیکن مسلماً تمثالهای افرادی از میان مردم مانند آقابگ ماهیگیر ، شهنونو، عمو اوهان و مخصوصاً آون سرباز ، مبارز با حرارت و پایدار برای استقرار عدالت بسیار موفقیت آمیز هستند .

وقتی که « آرتس وناک » اندکی بیش از هفت سال داشته ، آرزو میکرده است بدود و از زیر رنگین کمان رد شود تا بطوریکه در نقل های قدیمی گفته شده مردم عقبه داشته اند ، مبدل به پسر بشود ، زیرا اغلب اوقات در خانواده فقیر او را سرزنش میکردند ، که چرا پسر نشده است . این آرزوی نهفته و ناده لوحانه در باره عدالت بود . سالها گذشت . . . آرتس وناک آموزگار شد . بچه های دهقانان باو اطمینان نبرده ، سرنوشت آینده خود را باو سپردند و اومید داشت که بالاخره هر کدام از آنها به رنگین کمان آرزوی خویش و بعادت واقعی خود خواهند رسید . . .

شخص ماضیما . موضوع عمده بررسی ادبیات شوروی است . درباره مقام و ذوق جبلی و فطری آن شخص در زندگی ، در خصوص پرورش حس عظیم مسئولیت در مقابل مردم در وجود او ، راجع به وظیفه عالی او که باید در هر امر درست و شرافتمند و عادل باشد و خلاصه کلام در مورد بزرگترین شادی و دشواری ترین وظیفه در روی زمین که باید انسان حقیقی باشد در آثار جدید ش . رشیدوف ، ز . اسکوفینیا ، م . اسلوتکیس ، ای . شامباکین و دیگران حکایت شده است .

پوادپسوزن آموزگاریه و بهار دختر آهنگر دیه از زمان ش . رشیدوف بنام « موج توانا » با فهم و ادراک در زندگی در جستجوی راه های زرفته تازه هستند . در شرایط زندگی در پشت جبهه جنگ آنها هر قدم خود را از روی حساب دقیق بر میدارند ، در

هر رفتار خود می‌اندیشند و آنرا با آن موضوع مهم و قاضی وفق میدهند که سپاهیان در جبهه جنگ انجام میدهند. مخصوصاً همین حس مسئولیت کامل با آن یاری نموده است که بر طرز زندگی کهنه غالب گردند و بر جمود و خود و خرافات و سنن پوسیده آن فایق آیند.

نقادان نسبت به رمان «فورناریا» اثر ز. اسکونیا نویسنده روش با احتیاط پیش گرفته اند زیرا رفتار «آزادانه» نویسنده مزبور با بعضی پرسوناژها و دلایل متقاعد نکننده برای رفتار آنان فقدان ارزیابی‌ها و سنجش‌های دقیق و مشروط اخلاقی در موارد عدیده رومان مذکور و امثال آن نقادان رادوچار حیرت کرده است.

این نکوش‌ها تا حد زیادی بنظر ما هم منصفانه است. لیکن نمیتوان از کوشش نویسنده برای سردرآوردن از علل واقعی و اجتماعی و روانی آن فاجعه‌ای که بر سر «مینتائوت» نقاش با ذوق نازل شده و از راه درست منحرف شده است، پشتیبانی نکرد. ناپود شدن او - پیروزی ولو ناچیز، ولی در هر حال پیروزی ایست که نصیب خصم دنیای آرمانهای ما، اخلاقیات و هنرها است، پیروزی دنیای ظالم و بیرحم نسبت به قربانیان خودش است، وقتی هم که «دبنا» زن بیوه مینتائوت - زن جوان و ظریف و نجیب رابطه خود را با عالم خیالی قطع میکند و در صدد تجدید و تجدد روحی در کار خلاقه روزمره برمیآید ما اطمینان داریم که زندگی او حتماً دارای هدف مشخص و ثمر بخش خواهد بود....

انسان جامعه سوسیالیستی در راه و مسیر خود ناچار بوده بادشوارترین آزمایشها مواجه بشود. نویسنده شوروی نمیتواند این مطالب را ننویسد. لیکن موضوع این نیست که دشواریها عمداً و بطور تصنعی «بفرنج‌تر بشود» و درباره آنها مبالغه و اغراق گوئی بشود. ادبیات رئالیسم سوسیالیستی هم وقتی که کوشش میکنند آنرا از واقعیات «بالا تر ببرند» و هم موقعی، که آن را به با تلاق فلج کننده ناتورالیسم «راهنمایی میکنند» باید پرهیز کنند. حقیقت زندگی، فقط حقیقت زندگی، چنانکه پیروان مارکس و لنین آنرا درک میکنند، به ادبیات قدرت عملی میدهد و بالاخره تمام کار هنرمند واقعی تابع آن است. «کانستانتین فئدین» چنین نوشته است: «استادی عبارت است از هنر بیان حقیقت زندگی. نمیتوان تصور کرد که چون نویسنده دارای فن عالی است، مورد دروغینی که او وصف کرده است، راست و حقیقی خواهد شد».

از این حیث رمان «دل در کف دست» نوشته «ای. شامیاکین» بنظر من بسیار قابل توجه است.

آغاز رمان «دل در کف دست» مربوط است به تابستان سال ۱۹۶۱.

دو دوست وفادار و صمیمی - یکی «کی ریل شیکوویچ» روزنامه‌نگار و دیگری «آنتون یاروش» طبیب جراح با افراد خانواده‌های خود در بیلاقی در مرز جنگل و مرغزار، در زیر درختان بلوط استراحت میکنند. در یکی از روزهای یکشنبه «سیون گوکان» رئیس کمیته اجرائیه شهر به مهمانی نزد آنان می‌آید. بزودی خواننده پی میبرد که «یاروش» در سالهای جنگ «بهنی عضو سازمان سری مقاومت و گوکان» کمیسر تیپ چریکها بوده و بعد با کمک شیکوویچ درباره عملیات رزمی آن تیپ کتابی نوشته است.

لیکن «یاروش» با ارزیابی که «گوکان» از سازمان سری مقاومت نموده است، موافق نیست. اسامی بسیاری از دلبران قهرمان فراموش شده، برخی هم بدون دلیل خائن نامیده شده‌اند. منظره مبارزه دشوار و فداکارانه صدها و هزاران افراد میهن پرست شوروی بسختی تجریف شده، حقیقت زندگی تبدیل به وصف جامد اوضاع متصور گردیده است. آمدن «گوکان» به آن بیلاقی به پی‌ریزی آرام و بدون تشویش رمان خاتمه می‌دهد. سپس وقایعی که شامل هم سالهای جنگ و هم زمان کاملاً نزدیک بدوران ما است، با سرعت بسط می‌یابد و دامنه دار می‌شود. مبارزه برای احیاء خاطره قربانیان بخاطر وجدان و شرف زندگان آغاز می‌گردد.

حقایق درباره سازمان سری مقاومت و جنگ‌های چریکی قدم به قدم تجدید و ذکر می‌شود. در مد نظر ما هیکل دکتر «سایویچ» محبوب مجسم می‌گردد که بخاطر آزادی میهن خود هلاک شده است.

هیجان انگیزترین قسمت رمان عبارت است از داستان رشد و بلوغ اخلاقی قهرمانان آن و تثبیت با حرارت اصول بزندگی اجتماعی به تمام معنی و حماسه اعتماد نسبت به انسان شوروی. ما فقط برخی تازه‌های شری بدیع ترجمه‌ای را تذکر دادیم و راجع به داستان‌های بانو در «لونگو» نویسنده مالداوی بنام «مارتسی شوری» و «سر آسیمگی» اثر آ. یعقوبوف از یک و «رقتی که آسیاب از کار افتاد» نوشته بو. آقا کبیروف تاجیک و زندگی‌های ما را امتحان می‌کند... نگاشته‌و. با بانلی، آذربایجانی و حکایت‌های آ. سولا کائوری گرجی و ی. کوتسالو اوکرائینی و «ا. ما آزیک» استونی و دیگران چیزی نگفتیم.

ادبیات شوروی - علاوه بر این که کثیر المله است، یگانه هم هست. بهمین سبب است که از تمام دسته‌های آن هم بطور یکسان تقاضاهای عالی و

بازخواست می‌شود. بنا براین فقط مذاکره صادقانه و بازخواست دربارهٔ خلاقیت نویسندگان تمام جمهورها موجب بالا رفتن کیفیت آثار بدیع و سطح ارمانی جمال پسندانه آنها خواهد شد.

در نتیجه ترجمه بزبان روسی خوانندگان کشور شوروی با بهترین آثار ادبیات برادوار آشنا می‌شوند. تقاضاهای عالی نسبت به خلاقیت نویسندگان باید زمانی بشود که کتابها بزبانهای مادری ملتها چاپ و منتشر میگردد و هم هنگامیکه آن کتابها بزبان روسی ترجمه می‌شود.

همکاری دوستانه استعدادهای ادبیات کثیرالمله شوروی افزایش و توسعه مییابد و روابط متقابل بین کلیه دسته‌های آن تثبیت یافته مستحکم میشود.

ماه‌های اول سال ۱۹۶۵ گذشت. مواجههٔ جدید با آثار نویسندگان ملل اتحاد شوروی در پیش است: مثلاً بهارمانها و داستانها و حکایات «یانکا بریلیا» و «پاول زاگر بلینی»، «گستورگی لئونیدزه» و «راچی کسچار»، «بردی کوربا یاف» و «علیم کشوکوف»، «پائول کوثوسبرگ» و میرزا ابراهیموف و عسکر مختار و دیگران.

باید آرزو کرد که این مواجهه برای خوانندگان ماشادی بخش و فراموش نشدنی باشد.

جنگاوران پریش

باستانشناسان ارمنی آثار و فرهنگستان علوم تاجیکستان که بحفاری در محل «پنج‌کند» اشغال دارند يك شامکار هنر تصویری اجداد و اسلاف دیرین را کشف کرده‌اند. اثر جدید عبارت است از نقاشی که برنگهای متعدد در دو طبقه کمر بندوار در گرداگرد تالار کاخ دوران سندیانا که در اعماق زمین کشف گردیده است وجود دارد.

موضوع نقاشی عبارت است از صحنه‌های رزمی. عجیب‌ترین موضوع آن این است که در میان سباهیان سنگین اسلحه زنان سوار بر اسبان تیزك تاخت و تازمیکند.

دانشمندان تصور میکنند که نقاش مجهول موضوع حماسی بسیار کهن جنگ بازنان جنگاور (آمازون) هارا اساس کار و مضمون نظر قرار داده است. اینچنین صحنهٔ عمومی با شرکت «جنگاوران پریش» در هنر تصویری تمام خاور زمین منحصر بفرهنگ است و نخستین بار است که مورد بررسی علمی واقع میشود.